

Women's Account of the Difficulties of Legally Claiming Their Family Rights¹

Aghdas Barati^{*}

Mansoureh Zarean^{**} **Shohreh Rowshani**^{***}

(Received: 08/11/2021; Accepted: 19/09/2021)

Abstract

The purpose of this paper is to study the difficulties faced by women in claiming their family rights through law. The research has been done by qualitative method. Data were collected through semi-structured interviews with 21 women who had experience of marriage and marital life and were selected by purposive sampling. Data were analyzed using qualitative content analysis technique. According to the research findings, the legal difficulties of claiming women's family rights are included in four categories: the difficulties of using the terms of marriage contract, the dominance of the male view in drafting and enforcing laws, the inefficiency of family laws and the conflict between legal demands for rights with the continuation of a peaceful life. Accordingly, despite women's awareness of many of their family rights, mis-institutionalized attitudes and actions resulting from the cultural context of society, legal gaps, and the possibility of violating legal obligations play an important role in women not enjoying their rights.

Keywords: Women, Family Law, Legal Claim.

1. This article is taken from: Aghdas Barati, "A Study of Women's Attitudes Towards Their Legal Claims (Family-oriented)", 2021, PhD Thesis, Supervisor: Mansoureh Zarean, Faculty of Women and Family, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

* PhD Student in Women's Rights in Islam, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author), barati.y.h@gmail.com.

** Assistant Professor, Department of Social Science and Development Studies, Research Institute of Women, Alzahra University, Tehran, Iran, m.zarean@alzahra.ac.ir.

*** Assistant Professor, Department of Social Science and Development Studies, Research Institute of Women, Alzahra University, Tehran, Iran, sh.rowshani@alzahra.ac.ir.

روایت زنان از دشواری‌های پیش روی مطالبه قانونی حقوق خانوادگی خود^۱

اقدس براتی*

منصوره زارعان** شهره روشنی***

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۸]

چکیده

هدف پژوهش حاضر مطالعه دشواری‌های پیش روی زنان در مطالبه حقوق خانوادگی‌شان از طریق قانون است. پژوهش با روش کیفی انجام شده است. داده‌ها با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۲۱ نفر از زنانی جمع‌آوری شده که تجربه ازدواج و زندگی زناشویی داشته‌اند و به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند، و با استفاده از تکنیک تحلیل محتوای کیفی تجزیه و تحلیل شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، دشواری‌های قانونی مطالبه حقوق خانوادگی زنان در چهار مقوله دشواری‌های استفاده از شروط ضمن عقد، حاکمیت نگاه مردانه در تدوین و اجرای قوانین، ناکارآمدی قوانین خانواده و تعارض مطالبه قانونی حقوق با تداوم زندگی مسالمت‌آمیز، گنجانده شده است. بر این اساس، با وجود آگاهی زنان از بسیاری از حقوق خانوادگی خود، نگرش‌ها و کنش‌های نادرست نهادینه‌شده ناشی از اوضاع و احوال فرهنگی جامعه، خلأهای قانونی و امکان تخلفی و سرپیچی از تعهدات قانونی، نقش مهمی در بهره‌مندشدن زنان از حقوق خانوادگی‌شان دارد.

کلیدواژه‌ها: زنان، حقوق خانوادگی، مطالبه قانونی.

۱. برگرفته از: اقدس براتی، بررسی نگرش زنان به مطالبات حقوقی خود (معطوف به خانواده)، رساله دکتری، استاد راهنما: منصوره زارعان، دانشکده زن و خانواده، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۴۰۰.

* دانشجوی دکتری حقوق زن در اسلام، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)

barati.y.h@gmail.com

** استادیار گروه مطالعات علوم اجتماعی و توسعه، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

m.zarean@alzahra.ac.ir

*** استادیار گروه مطالعات علوم اجتماعی و توسعه، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

sh.rowshani@alzahra.ac.ir

۱. مقدمه و بیان مسئله

در چند دهه اخیر فضای آگاهی زنان از حقوق و تعهدات زوجین افزایش یافته، به طوری که مطالبات جدی آنان را در حوزه‌های مختلف همچون حقوق اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی در پی داشته است. خواسته‌ها و انتظارات در حیطه خانواده با گستره وسیع‌تری مطرح است. خانواده با توانایی بالقوه در تأمین نیازهای عاطفی انسان، جایگاهی برای پویاشدن استعدادهای نهفته و عامل تداوم‌بخش در بقای جامعه به مثابه شجره طیبه‌ای است که سلامت و تعادل پیکره‌اش ضامن رشد و بالندگی افراد جامعه است. خانواده نهادی سازمان‌یافته و نظام‌مند است. ایجاد رابطه زوجیت بین دو طرف عقد نکاح که ارکان اصلی خانواده را تشکیل می‌دهند، آثار حقوقی مهمی در روابط شخصی و مالی از یک سو و انتظار تأمین آنها از سوی دیگر دارد (زرنندی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲۸). ثبات ساختار خانواده به شدت به کیفیت رابطه زوجین، درک بهینه از یکدیگر و تأمین انتظاراتشان بستگی دارد. از جمله عواملی که موجبات درک بهتر همسران را فراهم می‌کند، کیفیت زندگی و رضایتمندی است که نقش مهمی در کارکردهای بهنجار خانواده ایفا می‌کند (Le Baron & et. al, 2018: 337-338). کیفیت زندگی در کنش متقابل و پیوستگی رخدادها در استمرار حیات زندگی تعریف می‌شود که این رخدادها در ابعادی مانند آزادی، دانش، روابط اجتماعی، امنیت همه‌جانبه و تأمین نیازها و مطالبات رخ می‌نماید. نکته اساسی در رضایتمندی، ارتقای رفتارهای سازگارانه و ارزیابی مثبت فرد در موقعیت‌های گوناگون زندگی است (Karami, 2011: 77). به این ترتیب بین سلامت روان زنان و تأمین نیازها و حقوقشان رابطه متقابلی وجود داشته است. زوجینی که رضایت بیشتری دارند، بهزیستی و سازگاری بیشتری از خود نشان می‌دهند (دیئر (Diener) و دیگران، ۲۰۰۰، به نقل از: روشنی، غروی نائینی و باستانی، ۱۳۹۹: ۳۰). تأمین انتظارات حقوقی زنان یکی از پیشران‌های مهم سلامت ذهنی زنان به شمار می‌آید. بنابراین، برای بهبود کیفیت زندگی زنان در خانواده باید به تأمین حقوق و مطالبات آنان و دشواری‌های پیش روی آن توجه ویژه کرد.

هدف قواعد و نظام حقوقی، تأمین حقوق و آزادی‌های فردی، البته منوط به متعارض نبودن با ایدئولوژی فراانسانی است (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۴۴۳). قوانین و قواعد حقوقی محصول فرهنگ رفع مشکلات و قاعده انتخاب است. یعنی هر نظام حقوقی در استمرار زندگی تعدادی از اصول و قواعد تأمین‌کننده منافع را انتخاب و مقررات مخالف تأمین مصلحت را رد کرده است. هر فرهنگی حاوی اصول و قوانین مهم و نسبتاً تغییرناپذیری است که رعایتش برای صاحبان آن فرهنگ، الزامی است. فرهنگ اسلامی نیز شامل مقررات و قواعدی است که قوانین موضوعه ملزم به رعایت آنها

است. مایرس مک‌دوگال (Myers-Mcdougal) در تعریف حقوق به بیان ریشه‌ها و مبانی مقررات قانونی و جنبه‌های عملی روابط حقوقی پرداخته است. به اعتقاد او، حقوق عبارت است از احکام مقام صلاحیت‌دار که با قدرت مؤثر و کنترل همراه است. صلاحیت چیزی بیش از نوعی تصویر اعتباری مبتنی بر انتظارات مردم نیست. مشکل اصلی در بیان صلاحیت، مفهوم کاملاً پیچیده انتظارات مردم است. در اینجا توجه به نکته‌ای بسیار مهم است و آن انتظارات افراد جامعه راجع به ماهیت قوانین موضوعه از مقام ذی‌صلاح، در وضع قوانین مطلوب است (صانعی، ۱۳۸۱: ۷۸-۹۵). گاه مطالبات مردم، و از جمله زنان، با قواعد و قوانین موضوعه هماهنگی ندارد. این ناهماهنگی در حوزه زنان آغازی بر ایجاد دشواری‌های جدی در مسیر تحقق حقوق زنان می‌شود.

زنان به عنوان یکی از دو نیمه اصلی در زندگی زن‌شویی نقش مهمی در استحکام و تداوم زندگی، یا خاتمه‌بخشیدن به آن دارند. مطالبات زنان و بایسته‌های مربوط به آن جزء مسائل در خور توجه است. یکی از مطالبات زنان در خانواده، مطالبه حقوق خود در خانواده و دشواری‌های پیش روی آن است. یک طرف رابطه حقوقی، زن با ملاحظه ویژگی‌ها و نقش‌های خاصی مانند مادری، همسری است. از طرف دیگر به نظر می‌رسد قواعد حاکم، متأثر از قدرت مردان است (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۸۹). از عواملی که موجب نابرابری در استیفای حقوق زن در خانواده می‌شود، وجود تعارضات در قوانین و همچنین احساس نابرابری زن و مرد در استیفای حقوق است که بر اساس صبغه فکری فرودست‌بودن زنان شکل گرفته است.

از مهم‌ترین قوانین رسمی در حمایت از حقوق و مطالبات زنان، قوانین امری و تکمیلی است که برای دسترسی به حقوق تصویب شده‌اند، اما ناخرسندی از نقش این قوانین به عنوان نظام حقوقی، حاکی از دست‌نیافتن به این هدف است. زنان در فرآیند زندگی مشترک، پنداشت حمایت‌گرایانه‌ای از قوانین موضوعه داشته‌اند، در حالی که قوانین در حوزه خانواده پیچیدگی‌ها و تعارضاتی داشته که زمینه‌ساز تفاسیر متعددی در برداشت و درک آن شده است، در صورتی که مفاهیم قانون، باید عاری از هر گونه اصطلاح یا واژه الفاکننده تعارض و تضاد باشد تا از رهگذر فهم درست به بازیابی و استیفای بیشتر حقوق زنان دست یابیم.

دشواری‌های پیش روی زنان در چند دسته می‌گنجد. برخی از دشواری‌ها برخاسته از نفس قوانین است، به طوری که قوانین به گونه‌ای تنظیم شده است که حقوق زنان نادیده گرفته شده، یا ضمانت اجرای کافی برای احقاق حقوق زنان را در بر ندارد. دسته‌ای دیگر از دشواری‌ها مربوط به اجرای قوانین است؛ به این معنا که هرچند قانونی در مرحله قانون‌گذاری، حقوق زنان را به خوبی

در نظر داشته است اما در مرحله اجرا آن‌گونه که باید و شاید به خوبی اجرا نمی‌شود و زنان در این مرحله با دشواری‌های جدی مواجه‌اند. دسته سوم دشواری‌هایی است که نه برخاسته از نفس قانون و نه ناشی از اجرای ناصواب آن، بلکه برآمده از انکار اجرای آن قانون در جامعه است؛ مثلاً درخواست مهریه از طرف زن، گاهی در تزامن با زندگی مسالمت‌آمیز قلمداد می‌شود.

آنچه موضوع حقوق زن در خانواده را برجسته کرده، تغییراتی است که در حیطه مطالبات حقوقی زنان صورت گرفته و آن را به یکی از مهم‌ترین موضوعات اجتماعی تبدیل کرده است. گیدنز از این تغییرات به «تغییرات بسیار مهم و در حال وقوع در خانواده و روابط زوجین» تعبیر کرده است (گیدنز، ۱۳۸۹: ۲۵۰). از این‌رو زنان، امروزه دیگر تفاوت‌ها و نابرابری‌های حقوقی را بر نمی‌تابند و از تعارضات و تناقضات در باب حقوق، مطابق تجربه زیسته خود گزارش داده‌اند. نمونه تعارض مطالبات زنان، احساس تعارض از ناحیه حق ریاست مرد و مطلق‌انگاری آن از یک طرف و سلب آزادی‌های مشروع آنها است که زمینه‌ساز نادیده‌گرفتن هدف قانون‌گذار در تأمین آزادی‌های مشروع است (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۴۴۳). از دیگر مصادیق تعارض، مطالبه حقوق مالی در قالب حق نفقه و مهریه با تداوم زندگی است، که در صورت درخواست حقوق مالی از طرف زن با مقاومت مرد در پرداخت نکردن مواجه می‌شود. بنابراین، قانون‌گذار می‌تواند با انتخاب راهکارهای مناسب و تدوین قوانین درست و پرکردن شکاف‌های موجود در آن، از دشواری‌های حقوقی موجود در استیفای حقوق زنان ممانعت کند.

با توجه به مراتب فوق، هدف از این مقاله تبیین ملحوظات و موانع موجود در مرحله قانون‌گذاری و مرحله اجرا در استیفای حقوق زنان در خانواده است. بر این اساس، مقاله حاضر در تلاش برای پاسخ به این پرسش اساسی است که: زنان در مطالبه حقوق قانونی خود در خانواده با چه دشواری‌هایی روبه‌رو هستند؟

۲. پیشینه پژوهش

شادی‌طلب (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان «زنان ایران: مطالبات و انتظارات» به این یافته رسیده است که هم‌اینک جامعه زنان پایگاه اجتماعی بالاتری را می‌طلبند و در پی مشارکت اجتماعی بیشتر هستند. حاجی‌پور (۱۳۸۳) در پژوهشی بر وجود امنیت قضایی در خانواده تأکید دارد و تفسیرهای متفاوت از عسر و حرج را در این زمینه موجب احکام متفاوت و رفتارهای سلیقه‌ای دانسته است. در پژوهشی دیگر، آبدیان و صفری (۱۳۹۳) مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان در

دوره مشروطه تا سلطنت پهلوی اول را بررسی کرده‌اند. نتایج ایشان حاکی از آن است که تدریجی‌های دوره دوم سلطنت پهلوی اول نه تنها به خاموشی صدای انجمن‌ها و نهادهای مدنی، بلکه به نادیده‌انگاری خواسته‌های مشروع و عقلانی زنان منجر شد. میرحسینی، آقاجانی و حبیب‌پور (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای راجع به زمینه مطالبات اجتماعی زنان و رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با آن، نشان داده‌اند که مطالبات با رویکرد اقتصادی شایع‌ترین و با رویکرد حقوقی کمترین شیوع را در بین زنان داشته است. رحیمی سجاسی و دیگران (۱۳۹۹) در پژوهشی به نقض حقوق زن در حیطه همسری پرداخته‌اند. نتایج بیانگر آن است که زنان با وجود آگاهی از حقوق خویش، اقدامی برای مطالبه آن نمی‌کنند، چراکه هزینه مطالبه‌گری را بیش از فواید آن می‌دانند. از این‌روی زنان نقش مهمی در تضييع حقوقشان ایفا می‌کنند. پژوهش‌شنهاو (۱۳۹۹) درباره حقوق دینی، حقوق خانواده و حقوق بشر، حکایت از آن دارد که زنان در زمان ازدواج و طلاق با افعال قوانین مذهبی چه بسا به دلیل تفاسیر مردانه از قوانین مذهبی، قربانی تبعیض و نابرابری می‌شوند. کندوکاو در پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که محققان بیشتر به مطالبات زنان در زمینه مشارکت اجتماعی و فرهنگی توجه داشته‌اند، به طوری که مطالبات زنان در خانواده و به‌ویژه مطالباتشان در ابعاد حقوقی و قضایی مسائل و مشکلات خانوادگی کمتر محل توجه بوده است. بنابراین، می‌توان گفت درباره مطالعه میدانی دشواری‌های مطالبه قانونی زنان در زمینه حقوقشان در خانواده، مطالعه خاصی یافت نشد و فقط به طور پراکنده در برخی پژوهش‌ها به این مسئله پرداخته شده است. از این‌رو، پژوهش حاضر در صدد است با بررسی مطالبات زنان در زمینه‌های قانونی به دشواری‌ها و انتظارات آنان در خانواده بپردازد و خلأهای موجود را مطابق روایت زنان بررسی کند.

۳. ادبیات پژوهش

در مطالعات کیفی اشراف به نظریات مرتبط با موضوع پژوهش، محقق را با فضای مفهومی مد نظر آشنا می‌کند و این امکان را برایش فراهم می‌آورد تا با آگاهی بیشتری به خلق مفاهیم و انتزاع مقولات مناسب دست یابد. به این دلیل با مراجعه به ادبیات نظری، از رویکردهای موجود به نابرابری جنسیتی و نظریه پیر بوردیو با هدف تقویت حساسیت نظری و درک مسئله استفاده شده است. ریتزر نظریه‌های نابرابری جنسیتی را در سه بُعد بررسی کرده است:

۱. نظریه‌های نابرابری جنسیتی (gender inequality theories): بر این اساس، زنان در بیشتر

موقعیت‌ها و به طور خاص حقوقشان، با مردان نابرابرند که این نابرابری از جامعه ناشی شده و نه از تفاوت‌های زیست‌شناختی مانند فمینیسم لیبرال و مارکسیسم؛

۲. نظریه‌های تفاوت جنسیتی (gender difference theories)؛ زنان در ساخت واقعیت اجتماعی از بینش و برداشتی متفاوت نسبت به مردان برخوردارند.

۳. نظریه‌های ستمگری جنسیتی (gender oppression theories)؛ موقعیت زنان در این نظریات تابعی از رابطه قدرت میان مردان و زنان است، رابطه‌ای که در آن به دلیل منافع عینی و بنیادی، زنان تحت نظارت و انقیاد پدرسالاری قرار می‌گیرند. در کانون این تحلیل، پدرسالاری به عنوان صورتی اجتماعی به محض قوت یافتن از منابع دیگر قدرت مانند اقتصاد، عواطف و حقوق استفاده می‌کند تا به اعمال نظارت بیشتری حتی در لایه‌های پنهان‌تر در قالب قوانین دست یابد (ریترز، ۱۳۹۹: ۴۷۳-۴۸۳).

از دید فمینیست‌ها، دخالت کلیشه‌های جنسیتی و آموزش آن در فرآیند اجتماعی شدن، موجب شکل‌دهی تفکرات قالبی می‌شود و زمینه را برای ایجاد تمایزات میان دو جنس فراهم می‌کند که پیامد آن روابط نابرابر قدرت میان دو جنس در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی (سفیری و میرزامحمدی، ۱۳۹۴: ۱۰۹)، حقوقی و هنجارسازی‌های بلامنازع برای مردان است. از زوایه دید این رویکرد، زنان یا باید در مقابل مردان و حقوق قرار داده شده از جانب آنان، تمکین کنند یا تاوان تمکین نکردن را بپذیرند. در واقع، فمینیسم، مجموعه‌ای از دیدگاه‌های مناقشه‌برانگیز را در حیطه پروبلماتیک جنسیتی مطرح کرده است، اما مسئله مهم فقدان جامعیت و نبود توان تبیینی آنها در خارج از حوزه‌ای خاص است (همتی و مکتوبیان، ۱۳۹۲: ۱۲۱-۱۲۲).

مطابق دیدگاه پیر بوردیو، مفهوم «عادت‌واره» طرح عامی از آموختگی‌های نهادینه شده و تعمیم‌بخش است که افراد، افعال خاصی را در عملکرد خود ترجیح می‌دهند. به عبارت دیگر، افعال در فرآیند جامعه‌پذیری به گونه‌ای در فرد درونی می‌شوند و بدون تأمل و تفکر به سهولت از کنشگران اجتماعی سر می‌زنند (ریترز، ۱۳۹۳: ۶۸۰).

۴. روش‌شناسی

برای تحقق اهداف پژوهش از روش کیفی استفاده شده است. اگرچه تحقیق کیفی شامل مجموعه متنوعی از روش‌های پیچیده است اما همه این روش‌ها دایر مدار بنیان فکری فهم شیوه‌ای است که انسان‌ها را وادار به ادراک جهان خود می‌کند. در حقیقت، تحقیق کیفی برای دستیابی به سطوح عمیق‌تری از واقعیت بر فهم جهان معنایی و ذهنی کنشگران متمرکز است (تبریزی، ۱۳۹۳).

۱۳۵). بر این اساس، مطالعه حاضر نیز که خواهان دستیابی به دشواری‌های مطالبات قانونی حقوق زنان در خانواده بوده، برای فهم تجربه آنان از روش کیفی استفاده کرده است. جامعه هدف این پژوهش را زنانی تشکیل داده‌اند که تجربه ازدواج و زندگی زناشویی داشته‌اند. انتخاب مشارکت‌کنندگان به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انجام شده و ملاک تعیین حجم نمونه، رسیدن به اشباع داده‌ها بوده است که بر اساس آن مشارکت‌کنندگان ۲۱ نفر بوده‌اند که مشخصاتشان در جدول یک آمده است.

جدول یک؛ مشخصات مشارکت‌کنندگان

ویژگی	توضیحات
سن	۲۱ تا ۶۰ سال
مدت زندگی مشترک	۱ تا ۳۶ سال
تعداد فرزند	۰ تا ۳ فرزند
تحصیلات	دیپلم تا کارشناسی ارشد
وضعیت فعالیت	۱۲ نفر شاغل، ۹ نفر خانه‌دار
وضعیت فعالیت همسر	اکثریت شاغل، ۲ نفر بازنشسته، ۱ نفر بیکار
تحصیلات همسر	دیپلم تا کارشناسی ارشد

داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شده و زمان مصاحبه‌ها بین ۳۰ تا ۹۰ دقیقه متغیر بوده است. به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی پژوهش، قبل از شروع مصاحبه رضایت مصاحبه‌شوندگان اخذ شده و به آنان اطمینان داده شده است که اطلاعاتشان محرمانه خواهد ماند. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. به این منظور مصاحبه‌ها تبدیل به متن و کدگذاری شده و با دسته‌بندی کدها بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها مقولات حاصل شده است.

اگرچه پژوهشگر کیفی به دنبال تعمیم یافته‌های خود نیست، اما بیان و درک تجربه واقعی مشارکت‌کنندگان، نکته اساسی و مهم در آن است. بنابراین، به منظور اطمینان از موثق بودن داده‌های کیفی و ارزیابی کیفیت از معیار اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد (trustworthiness) لینکلن و گوبا (Lincoln &

Guba) استفاده شده است که دربرگیرنده چهار معیار مرتبط به هم است (محمدپور، ۱۳۹۲: ۱۸۴). تأییدپذیری (confirmability) یا عینیت، بیانگر میزان تطبیق یافته‌های محقق بر داده‌ها است. در پژوهش حاضر تلاش محقق در پرهیز از سوگیری و پیش‌داوری، دوری از هدایت مشارکت‌کننده به جهت‌های خاص به منظور افزایش تأییدپذیری بوده است. اطمینان‌پذیری (dependability) بیانگر امکان پی‌گیری، شناسایی و جانمایی داده‌ها در قالب مستندات پژوهش است. در پژوهش حاضر، برای افزایش اطمینان‌پذیری تمام جزئیات مراحل گردآوری و تحلیل داده‌ها شامل متن مصاحبه‌ها، کدگذاری و مفاهیم و مقولات مربوط به هر مصاحبه، جداول خلاصه‌سازی مفاهیم با عنوان مقولات مستندسازی شده است تا قابلیت پی‌گیری برای دیگر محققان را داشته باشد. انتقال‌پذیری (transferability) بیان می‌کند که تا چه حد یافته‌های پژوهش در موقعیت‌های دیگر کاربرد دارد. در این مطالعه، توجه به تنوع مصاحبه‌شوندگان و بیان مشخصاتشان در راستای افزایش انتقال‌پذیری بوده است. باورپذیری (credibility) با قانع‌کننده بودن ارتباط دارد. در مطالعه حاضر، برای ایجاد باورپذیری کوشیده‌ایم ضمن درگیری طولانی مدت با شرکت‌کنندگان برای درک تجربه آنان، پیش‌داوری در تحلیل داده‌ها، صورت نگیرد. همچنین، مراحل تحلیل داده‌ها از جمله کدهای استخراج‌شده از مصاحبه‌ها و مقولات به چند نفر از مصاحبه‌شوندگان داده شد تا دیدگاه‌های خود را درباره تحلیل‌ها بیان کنند. علاوه بر آن، استادان متخصص نقل‌قول‌ها و مقولات استخراج‌شده را از نظر انطباق بر هم بررسی کردند.

۵. یافته‌ها

زنان در بیان تجربه خود در زمینه دشواری‌های پیش روی مطالبه قانونی حقوق خانوادگی خود به نکات مختلفی اشاره کرده‌اند که در چهار مقوله اصلی «دشواری‌های استفاده از شروط ضمن عقد»، «ناکارآمدی قوانین»، «حاکمیت نگاه مردانه در تدوین و اجرای قوانین» و «تعارض مطالبه قانونی حقوق با تداوم زندگی مسالمت‌آمیز» قرار گرفته است. مقولات و زیرمقولات در جدول شماره دو بیان شده و در ادامه، ارتباطات مقولات و زیرمقولات به همراه نمونه‌هایی از صحبت‌های زنان، توضیح داده شده است.

جدول دو؛ مقولات و زیرمقولات حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها

مقولات	زیرمقولات
دشواری‌های استفاده از شروط ضمن عقد	ناممکن بودن استفاده از شروط ضمن عقد در صورت موافق نبودن و نارضایتی مرد
	ناممکن بودن استفاده از حق مسکن در برخی از موقعیت‌ها
	از دست دادن حقوق مالی در برابر به دست آوردن حق طلاق
حاکمیت نگاه مردانه در تدوین و اجرای قوانین	فقدان درک قضات مرد از وضعیت زن
	تلاش برای حفظ منافع مردان از طرف قضات مرد
	حمایت قانون از مردان
ناکارآمدی قوانین خانواده	در نظر نگرفتن اوضاع و احوال واقعی زندگی در اجرای قوانین
	خلأهای قانونی
	بی‌فایده بودن قوانین مشاوره پیش از طلاق
	ضعف ضمانت اجرای قوانین
تعارض مطالبه قانونی حقوق با تداوم زندگی مسالمت‌آمیز	به خطر افتادن دوام زندگی زناشویی با مطالبه قانونی حقوق
	ناممکن بودن مطالبه برخی حقوق به دلیل فهم نادرست مردان از آن حقوق

۵.۱. دشواری‌های استفاده از شروط ضمن عقد

مقوله «دشواری‌های استفاده از شروط ضمن عقد» بیانگر مشکلات استفاده از برخی قوانین تکمیلی به دلیل ایجاد اختلال و دشواری در استیفای حقوق زنان در خانواده است. برخی افراد به دلیل بی‌اطمینانی از تعهد همسر در ادای حقوق، برای پیش‌گیری از ورود ضرر احتمالی، به ملتزم کردن همسر به پذیرش شروط ضمن عقد متوسل می‌شوند، اما در هنگام نیاز به استفاده از این شروط، با دشواری‌های متعددی روبه‌رو می‌شوند. «ناممکن بودن استفاده از شروط ضمن عقد در صورت موافق نبودن و نارضایتی شوهر» یکی از دشواری‌های اساسی استفاده از شروط ضمن عقد برای زنان بوده است. زنان معتقدند مردان به دلیل تمایل به حفظ اقتدار خود در زندگی زناشویی حاضر به پذیرش شروط زنان نیستند و اگر علی‌رغم فقدان رضایت قلبی به دلایلی ناچار به پذیرش

شروط ضمن عقدی شوند که زن می‌خواهد، در عمل به اجرای شروط پای‌بند نیستند. در چنین اوضاع و احوالی زنان ناچار می‌شوند از اجرای شروط ضمن عقد چشم‌پوشی کنند؛ زیرا در صورت پافشاری بر حق خود و پیگیری احقاق آن از مسیر قانون، ادامه مسالمت‌آمیز زندگی زناشویی با دشواری‌های جدی مواجه خواهد شد:

گذاشتن شرط حق ادامه تحصیل خوبه ولی اومد و بعد ازدواج گفت نمی‌خوام ادامه بدین، کار انسانی نیست مخالفتش. چون قبلش گفته می‌تونم ادامه بدی و الان می‌گه نه. ولی حالا که می‌گه نه، خانم باید راهی کجا بشه؟ بره دادگاه و دادگاه‌کشی به خاطر تحصیل؟ یعنی نمی‌شه، یه جورایی با آرامش زندگی مشترک جور در نمی‌آد. یه جورایی گروکشی هست. بستگی داره که آدما چه شرطی می‌ذارن و معمولاً آقایون موضع می‌گیرن، آقایون خوششون نمی‌آد از شرط و شروط گذاشتن و اگه هم قبول کنن، یه جایی از زندگی به روی هم‌سرشون میارن. شخصیت مرد این‌طوره که تصمیم‌گیری و حرف اول و آخر باید با خودش باشه. یه طرفه می‌خوان تصمیم بگیرن و اگه یه مسئله‌ای رو قبولش نداشته باشن و به نفعشون نباشه، موضع می‌گیرن و می‌گن از سر اجبار قبول کردم و در نهایت هم می‌زنن زیرش (شماره ۱۸: ۳۸ ساله).

در واقع، اجرای شروط ضمن عقد ازدواج با این مشکل مواجه است که اگر پای‌بندی درونی به وفاداری به آن وجود نداشته باشد، امکان نپذیرفتن آن در عمل در قالب‌های مختلف، از جمله اجازه‌ندان و وجود دارد و این موضوع راه را برای تخطی از آن و سرپیچی از تعهدات منعقدشده در شروط ضمن عقد هموار می‌کند و در چنین اوضاع و احوالی زن برای حفظ زندگی، در عمل امکان استفاده از این شروط را ندارد:

آخه زندگی توافقه. مثلاً من الان بخوام خارج کشور برم حتی اگه حق خروج از کشور رو با شرط ضمن عقد داشته باشم و بخوام برم بدون هم‌سرم، وقتی اجازه نده قطعاً این کار رو نمی‌کنم و نمی‌رم. طبیعتاً اگه برا هم‌سرم احترام قائل باشم و دلایلی رو بدونم نمی‌رم. یه چیز توافقیه. بعد حالا یعنی چی که بخوام از اون حق استفاده کنم، من حق سفر رو گرفتم و نذاره برم و من برم آخرش بحث و چالشه، این‌طوری فایده‌ای نداره (شماره ۴: ۲۸ ساله).

«ناممکن بودن استفاده از حق مسکن در برخی موقعیت‌ها» از دیگر دشواری‌های استفاده از شروط ضمن عقد و اجرایی کردن آن بوده است. برخی زنان استفاده از حق مسکن را در برخی موقعیت‌ها، از جمله ناتوانی مالی مرد در تأمین مسکن در محل مد نظر زن، عامل ایجاد تنش و کشمکش در خانواده

دانسته‌اند و از این‌رو گرفتن حق مسکن را چندان مفید نمی‌دانند. زنان معتقدند قرارداد شرط ضمن عقد از جمله حق مسکن باید به گونه‌ای صورت پذیرد که موجب اختلال در تداوم مطلوب زندگی زناشویی نشود؛ و ثانیاً حقوق و تکالیف ناشی از پذیرش شرط پیش از انعقاد عقد به طرفین تفهیم گردد تا از تبعات ناشی از کج‌فهمی‌های احتمالی جلوگیری شود:

حق مسکن، مثلاً من بگم فلان منطقه می‌خوام زندگی کنم، وقتی نداشته باشد باید چسب کار کنم؟ همون اولش می‌افتیم به جون همدیگه و دعوا و بگومگو. از اولم مسکن با مرد بوده، در حد توانایی‌اش که خونه بگیره. الان حق مسکن رو گذاشتن، ولی همه نمی‌فهمن. می‌گه من حق مسکن دارم پس بریم فلان منطقه، وقتی طرف نداره چه جوری می‌تونه بره. آگه از قانون درست استفاده بشه شاید خیلی چیزها عوض بشه (شماره ۱۹: ۳۷ ساله).

در پاسخ به این مشکل باید گفت، با توجه به ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی، زن باید در منزل تهیه‌شده از جانب همسر، زندگی کند. از طرفی ماده ۱۱۱۹ و ۱۱۱۴ قانون مدنی این اجازه را صادر کرده است که به صورت شرط ضمن عقد، اختیار تعیین مسکن به زوجه واگذار شود، در حالی که ملاک تعیین مسکن، مطابق تصریح ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی، شأنت زنی بوده است و نه توانایی همسر. بنابراین، اگر زن شرط حق مسکن و تعیین آن را هم نداشته باشد همسر مکلف به تهیه مسکن مطابق شأنت او است. یکی از شرایط اصلی سکونت در منزل مشترک متناسب بودن مسکن با شئون زن است. همچنین، فقها نیز معتقدند شوهر باید مسکن مناسب در شأن زن و متعارف محل زندگی او تهیه کند و در صورتی که منزل مسکونی موافق شأن زوجه باشد، متابعت در مسکن بر او الزامی است؛ در غیر این صورت اگر منزل موافق شأن زن نباشد، وی می‌تواند تمکین نکند و ناشزه محسوب نمی‌شود (نجفی جواهری، ۱۳۶۲: ۳۴۲/۲۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۸: ۳۴۰/۱۲).

باید اذعان داشت که ناممکن بودن استفاده از این حق ناشی از قانون نبوده، بلکه به دلیل ناتوانی در اجرای آن بوده است. ضمن آنکه حقوق و تکالیف ناشی از پذیرش شرط پیش از انعقاد عقد باید در دفتر ثبت رسمی به طرفین تفهیم گردد تا از تبعات ناشی از کج‌فهمی‌های احتمالی جلوگیری شود.

برخی زنان به دلیل دشواری طلاق گرفتن با هدف پیش‌گیری از مشکلات احتمالی در صورت تصمیم به طلاق، اقدام به گرفتن حق وکالت طلاق در شرط ضمن عقد می‌کنند، اما برای استفاده از این حق با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌شوند که «از دست دادن حقوق مالی در برابر به دست آوردن حق طلاق» از مهم‌ترین آنها است. زنان برای استفاده از حق طلاق ناچار به صرف نظر کردن از

مهریه‌اند که از مهم‌ترین حقوق اقتصادی زن در خانواده است، و انتظار دارند قانون از دریافت مهریه، به عنوان پشتوانه‌ای اقتصادی برای زن، حمایت کند و از این‌رو بسیاری از زنان از مطلوب نبودن بخشش مهریه در برابر دریافت حق طلاق سخن گفته‌اند:

حق طلاق که دست خانم هست، این خوب نیست؛ این حق طلاقی که قانون به زن می‌دهد که باید مهریه‌اش رو ببخشد. این به نظرم جالب نیست که من از همسر ناراضی‌ام، می‌رم دادگاه حقوقم رو مطالبه کنم، باید از مهریه‌ام بگذرم به خاطر اینکه همسرم بد هست و می‌خوام ازش جدا بشم (شماره ۸: ۳۷ ساله).

زنان معتقدند حق طلاق، باید به عنوان حق طبیعی آنها به یکسان برای زن و مرد در نظر گرفته شود تا دچار تحمل دشواری‌های قانونی مسیر طلاق نشوند؛ همچنین، اگر حق طلاق با شرط ضمن عقد گرفته شد، امکان بازستانی آن در صورت موافقت نکردن همسر وجود نداشته باشد. به علاوه، زنان استفاده از حق طلاق را منجر به تصنیع برخی از حقوق مالی خود می‌دانند:

من خودم حق طلاق رو از همسر خواستم. اولش گفته باشه، بعدش می‌گه نه. این حقی که به هر حال از من سلب شده، بعد من باید براش بجنگم تا حقم رو بگیرم؛ در حالی که مرد به طور طبیعی این حق رو داره. تازه خیلی از اوقات این حقوقی که ما فکر می‌کنیم حق حساب می‌شه خودش بعداً باعث محرومیت بعدی می‌شه. مثل حق طلاق که به زن ممکنه ناگهانانه به حق طلاق بگیره، حالا اگه در شرایطی قرار بگیره که بخواد ازش استفاده بکنه، نه مهریه بهش تعلق می‌گیره، نه نفقه‌ای و نه چیزی. خودش طلاق می‌گیره، اما به چه قیمتی؟ من می‌گم منطقی‌اش این جوریه که زن و مرد هر کدوم به طور مساوی از حقوقی برخوردار باشن و یه شخص سومی که قانون هست برا هر دو تصمیم بگیره (شماره ۴: ۲۸ ساله).

همچنین، برخی زنان به دشواری بودن مسیر گرفتن طلاق، علی‌رغم واگذاری بخش چشمگیری از مهریه برای دریافت حق طلاق، اشاره کرده‌اند:

من هی از مهریه‌ام گندم که بتونم حق طلاق بگیرم، ۴۱۴ تا سکه مهرم بود، تبدیل شد به ۶۴ تا سکه، تا حق طلاق رو گرفتم، بعدش هم که نشد زندگی رو ادامه بدم. دو سال تموم دویدم دنبالش تا تونستم طلاق بگیرم، با وجود حق طلاقی که داشتم. البته با دو تا وکیل مشورت می‌کردم. وکیل‌ها کارای مهم رو انجام دادن، ولی باید بدویی دنبالش (شماره ۱۹: ۳۷ ساله).

شرط توکیل طلاق در ضمن عقد لازم، روشی برای جلوگیری از سوءاستفاده همسر از حق

طلاق از راه قراردادی است. جواز شرط توکیل در طلاق، مطابق نظر مشهور فقها است؛ آنها معتقدند در صورت عمل نکردن مرد به شروط در عقد نکاح، زن می‌تواند با شرط وکالت در طلاق، خود را مطلقه کند. موسوی خمینی در استفتایی این شرط را از شروط جایز دانسته است، با این تعبیر که «بدین وسیله زنان خودشان زمام طلاق را به دست گیرند ... به صورت مطلق وکیل در طلاق بوده، یعنی هر موقع دلشان خواست طلاق بگیرند یا به صورت مشروط، یعنی اگر شوهر بدرفتاری کرد ... زن وکیل باشد که خود را طلاق دهد» (موسوی خمینی، در: www.imam-khomeini.ir). این استفتا بیانگر آن است که وکالت زن در طلاق می‌تواند مطلق بوده باشد. ضمن آنکه چون وکالت عقد جایز و انحلال‌پذیر است، بنابراین باید شرط توکیل در طلاق، ضمن عقد نکاح یا عقد لازم دیگری آورده شود تا بدین ترتیب، وکالت الزام‌آور و فسخ‌ناپذیر شود.

۵. ۲. حاکمیت نگاه مردانه در تدوین و اجرای قوانین

مقوله «حاکمیت نگاه مردانه در تدوین و اجرای قوانین» بیانگر دشواری‌های حاصل از غلبه دیدگاه مردانه در فرآیند تدوین و اجرای قوانین در حوزه خانواده است که زنان به شکل‌های مختلفی بیان کرده‌اند. زنان «فقدان درک قضات مرد از وضعیت زن» را موجب تضییع حق زن در خانواده دانسته‌اند. تصمیم و رأی قاضی در دعاوی خانوادگی در صورتی عادلانه خواهد بود که در فرآیند دادرسی، به مسائل، مشکلات و دغدغه‌های زنان در زندگی زناشویی توجه شود که لازمه‌اش دقت قاضی و صرف زمان مناسب با هدف تلاش برای فهم هر چه بیشتر و بهتر وضعیت زن برای صدور رأی عادلانه است. زنان تسریع قاضی در صدور حکم را از مشکلات جدی در مطالبه قانونی حقوق خود بیان کرده و آن را از موجبات تضییع حق خود می‌دانند:

یک قاضی که در محل حکم‌دادن می‌شیند، نمی‌تونه در عرض نیم ساعت زندگی چندین‌ساله من را بسنجه. این کار یک پروسه طولانی داره. لاقلاً باید یه ماه با قاضی نشست و برخاست کنم تا بفهمه که درد من چیه؟ وقتی در عرض نیم ساعت می‌نویسه و حکم می‌کنه چه فایده‌ای داره؟ (شماره ۲۱: ۶۰ ساله).

«تلاش برای حفظ منافع مردان از طرف قضات مرد» مقوله دیگری است که حکایت از حاکمیت نگاه مردانه دارد. از نظر زنان، برخی قضات مرد، خواسته یا ناخواسته، تمایل به حفظ منافع مردان دارند. لذا نمی‌توانند رأی درستی بر مبنای وضعیت زن صادر کنند. از این رو تصمیماتشان موجب استیفان شدن حقوق زنان خواهد شد:

چون خود قضات مرد هستند، می‌خوان حق مرد رو بگیرن؛ مرد می‌تونه در یه اتاق زندگی کنه اما یه زن نه. خصوصاً وقتی متارکه کنه جامعه یک حساب دیگه نسبت بهش باز می‌کنه؛ برای همین من این قانون را قبول ندارم و فکر نمی‌کنم که به نفع زن باشه. قانون مدنی نمی‌تونه حق زن را بگیره (شماره ۲۱: ۶۰ ساله).

«حمایت قانون از مردان» مسئله دیگری بود که زنان به آن اشاره کرده‌اند. زنان نابرابری در حقوق زن و مرد و تدوین نشدن قوانین را، عاملی مهمی در نرسیدن به حقوق خود دانسته و به رویکرد قانون انتقاد داشته‌اند:

قوانین اکثریت به نفع مردها و در حمایت از مردها است. شاید در هزار یکی برای خانوما باشه. چرا باید نابرابری باشه؟ مگه اسلام نمی‌گه حق زن و مرد برابره؟ من که ندیدم. من یکی از انتقادی که به این قانون دارم اینه که این قانون را مردا نوشتن. به نظرم چند زن باید کنار مردان باشن و اون چیزایی که زن‌ها باهاش مواجهن و تحقیق کردن، جمع کنن در کتاب قانون بیارن و حکم بدن و اجرا کنن، نه اینکه چند تا مرد بشینن و قانونی را بنویسن. قانون اگر خوب تصویب بشه قاضی می‌تونه اجرا کنه. قانونی که در مجلس تصویب می‌شه نه تنها حامی زن نیست، بلکه به ضرر زن هم هست. قانون بیشتر طرفدار مردهاست. هر جا و هر اتاقی که رفتم و با هر قاضی که حرف زدم، البته به غیر از یکی، اغلب طرفدار مردا هستن. یه زن شصت‌ساله، با اینکه وکیل داشتم، تقریباً سه سال طول کشید، کجای قانون حامی من بوده؟ (شماره ۲۱: ۶۰ ساله).

۵.۳. ناکارآمدی قوانین خانواده

مقوله «ناکارآمدی قوانین خانواده» بیانگر دشواری‌های ناشی از تدوین و اجرای قوانین خانواده است که به دلایل مختلفی ایجاد شده و استیفای حقوق خانوادگی زنان را تحت تأثیر قرار داده است. زنان «در نظر نگرفتن اوضاع و احوال واقعی زندگی در اجرای قوانین» را موجب صدور احکام ناعادلانه و تضییع حقوق خود در زندگی زناشویی دانسته‌اند. شکاف بین ارزش اقتصادی واقعی فعالیت‌های خانه‌داری زنان و میزان اجرت‌المثل تعیین شده از جمله امور ذکر شده بوده است:

به نظرم اجرت‌المثل برا یه زن از جهت میزانی که قانون معلوم کرده، معلومه اون کسی که میزانش رو تعیین کرده، هیچ تجربه‌ای از زندگی زن‌ها نداشته (شماره ۱۵: ۴۰ ساله).

میزان اجرت‌المثل به شکل دقیق رقم مشخصی نیست، بلکه با توجه به کار انجام شده، از

طریق کارشناس مشخص و در شرایط معلوم و با توجه به عرف تعیین می‌شود. نحوه محاسبه اجرت‌المثل به شکل سالانه است، یعنی به ازای هر یک سال زندگی مشترک، مبلغی به عنوان اجرت‌المثل آن سال در نظر گرفته می‌شود و بعد مبلغ کل با ضرب مبلغ هر سال در تعداد سال‌های زندگی مشترک زوجین محاسبه می‌شود. اما نحوه کارشناسی در مرحله اجرای قانون موجب شده است زنان به میزان اجرت‌المثلی که کارشناس تعیین می‌کند انتقاد داشته باشند و آن را موجب استیفان‌شدن حق خود و نیز عامل احساس حقارت بدانند. حفظ احترام از طریق قوانین حمایتی یکی از مطالبات زنان است. زنان انتظار دارند میزان اجرت‌المثل تعیین شده به گونه‌ای تعلق‌نگیرد که موجب تحقیر کار زن در خانه شود. راجع به مقدار اجرت‌المثل، قانون‌گذار محترم مناسب است با توجه به وضعیت اقتصادی میزان آن را تعیین کند:

از نظر من قانون خیلی جنبه حمایتی برای زنان ندارد. مثل اجرت‌المثل کار زن تو خونه که خیلی مقدارش تحقیرآمیزه (شماره ۱۰: ۲۹ ساله).

در تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی درباره پرداخت اجرت‌المثل این‌گونه آمده است:

چنانچه زوجه کارهایی که شرعاً به عهده وی نبوده و عرفاً برای آن کار اجرت‌المثل باشد، به دستور زوج و یا عدم قصد تبرع انجام داده است و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت‌المثل کارهای انجام‌گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌نماید.

به استناد تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی، مطالبه اجرت‌المثل از طرف زن منوط به درخواست طلاق از طرف همسر نیست و زن می‌تواند در ایام زندگی مشترک با توجه به شرایط موجود در تبصره، اقدام به مطالبه آن کند. با وجود حمایت‌های موجود در تبصره ماده ۳۳۶ از زنان، اما به دلیل تضمن قیود متعدد مانند عدم قصد تبرع و ... به دلیل دشواربودن اثبات هر یک از قیود، منجر به ایجاد موانع و شکاف در احقاق حق زن شده است. به علاوه، پیمودن مسیر اثبات قصد عدم تبرع، به دلیل اینکه خلاف ظاهر است، دشوار و گاه محال است (خدادادپور و دیلمی، ۱۳۸۸: ۹۱). نتیجه آنکه، اجرت‌المثل کار زن در منزل، هم از لحاظ قانون‌گذاری و هم در مرحله اجرا، استیفای حق زن را با مشکل مواجه می‌کند.

«خلاه‌های قانونی» دشواری دیگری بوده است که ناکارآمدی قوانین خانواده را به دنبال داشته است. یکی از مطالبات زنان این است که قانون در برابر خلاه‌های موجود سکوت نکند و برای رفع خلاه‌ها و اصلاح و تکمیل قوانین اقدام کند. در واقع، نقص موجود، به دلیل وجود شکاف بین هنجارهای اجتماعی و موازین شرعی است و نه قانون:

اینکه زنان به حقوق شون نمی‌رسن به مقدارش به قانون برمی‌گرده، یعنی اینکه قانون در یه جایی ممکنه نقصی داشته باشه. بعضی مواقع هست که زن مطالبه می‌کنه، اما بهش نمی‌رسه، که برمی‌گرده به اینکه قانون تو اون قضیه کمبود داره (شماره ۱۶: ۲۸ ساله).

زنان اطاله فرآیند دادرسی و تضییع حقوق ناشی از آن را نتیجه خلأهای قانونی می‌دانند و گاه از حمایت قانون از حقوقشان ابراز ناامیدی می‌کنند:

من که امیدی به این قانون ندارم؛ من که وکیل داشتم متأسفانه وکیلیم می‌گفت که قانون ما قانون خوبی نیست، قانون کمبود داره، سر دووندن یکی از کمبودهاش هست. زنی که ۳۷ سال زندگی کرده چه قانونی باید باشه که حقش رعایت بشه؟ (شماره ۲۱: ۶۰ ساله).

مشکلات دریافت اجرت‌المثل از دیگر موضوعاتی است که زنان به آن اشاره کرده‌اند. به نظر زنان، علی‌رغم وجود ملاک‌های استحقاق اخذ اجرت کار زن در منزل مطابق شرع، برخی مردان پرداخت آن را قبول ندارند و قانون در قبال این نپذیرفتن، ساکت است و از جنبه حمایتی قانون در این زمینه غفلت شده است. زنان انتظار دارند که بر اساس توجه فقه خانواده به این موضوع، قوانین نیز به گونه‌ای تنظیم شود که احقاق حقشان میسر شود:

یامثلاً اجرت‌المثل، آیا واقعاً مردی این حق زن رو بهش می‌ده که توفقه ما هم بهش اشاره شده. به نظرم قانون ما به جاهایی کمبود داره. یکی از اون جاها همین موارد (شماره ۱۸: ۳۸ ساله).

قاعده احترام مال و عمل مسلم و اتفاق نظر فقها، و تصریح ماده ۳۳۶ قانون مدنی به دریافت اجرت خدمات زن در خانه شوهر، بیانگر اهتمام مبانی فقهی و قانونی است؛ اما در عمل به دلیل وجود شکاف در هنجارهای عرفی و موازین شرعی، امکان دریافت آن دشوار است (رحیمی سجاسی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۴).

«بی‌فایده بودن قوانین مشاوره پیش از طلاق» از دیگر امور نشان‌دهنده ناکارآمدی قوانین خانواده است. از نظر زنان، مشاوره قبل از طلاق با عملکرد خنثا، برای بهبود وضعیت زندگی فرصت‌ساز نیست و منجر به بازگشت به زندگی، در اوضاع و احوالی که طرفین مصمم بر جدایی هستند، نخواهد شد. بنابراین، در تدوین و اجرای قانون مشاوره پیش از طلاق، در نظر گرفتن ملاحظات از جمله شرایط زوجین و وضعیت زندگی‌شان ضروری به نظر می‌رسد:

الان زن و مردی که می‌خوان از هم جدا بشن چند جلسه مشاوره می‌ذارن که شاید زندگی رو بشه جمع کرد، ولی من اعتراض کردم که ما بعد از سال‌ها نتونستیم زندگی مون رو جمع کنیم، اون وقت یک روان‌شناس که تازه وارد بازار مشاوره شده چطور می‌تونه نظر

من رو برگردونه؟ برای من که بی‌فایده بود، نمی‌دونم شاید برا اونایی که تازه ازدواج کردن

مفید باشه (شماره ۲۱: ۶۰ ساله).

«ضعف ضمانت اجرای قوانین» به صورت‌های مختلف موجب ایجاد دشواری در استیفای حقوق زنان شده است. در بسیاری از امور نبود ضمانت اجرای مناسب، موجب مواجهه زنان با مشکلات جدی در استیفای حقوق مالی خود، از جمله مهریه و نفقه، شده است. امکان ادعای اعیان از جانب مرد با انتقال اموال به دیگران از نکاتی است که زنان ذکر کرده‌اند و به تزییع حقوق مالی زن منجر شده است. زنان انتظار دارند با تدوین قوانین شفاف و جامع و در نظر گرفتن ضمانت اجرای مناسب برای آن، امکان سوءاستفاده مردان از قوانین سلب شود تا حقی از زنان ضایع نشود.

راهش اینه که قانون تصویب بشه، البته قانونی که نشه دورش زد و راه دررو نداشته باشه؛ مثل اینکه مهریه رو تو قانون گذاشتن، اما این قدر قانون راه دررو داره که کمتر زنی به مهریه اش می‌رسه. فکر کن یه مرد می‌ره مالش رو برا اینکه مهریه به زنش نده می‌زنه به نام یکی دیگه. پس این قانون چه فایده‌ای داره؟ این چه قانونی هست که تصویب شده و فایده نداره؟ پس انگار که اصلاً تصویب نشده. قانون باشه، ولی فقط برای تموم شدن نباشه، فقط قانون و حقوق برای موقع جدایی نیست. تو قانون ما، آدم فکر می‌کنه مهریه فقط برا موقعی هست که بخوان جدا بشن، در حالی که اسلام مهریه رو گذاشته که زن پشتوانه مالی داشته باشه، پس باید یه قانونی باشه و از لحاظ فرهنگی هم جا انداخته بشه که مهریه حق زن هست و باید در طول زندگی داده بشه (شماره ۱۸: ۳۸ ساله).

بر اساس تصریح مستندات فقهی و قانون، حق بهره‌مندی از مهریه از مهم‌ترین پشتوانه‌های اقتصادی و زمینه‌ساز استقلال مالی زن در ساحت خانواده است. بررسی مواد قانونی ۱۰۸۲، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶ و غیره، بیانگر آن است که قانون‌گذار به حق مهریه توجه داشته است. اما مشکل در ضعف ضمانت اجرای آن است. بنابراین، قانون‌گذار محترم با توجه به احکام شرعی مهریه، مناسب است این پشتوانه اقتصادی را با درج قوانینی، مانند نیاز نبودن به اثبات ادعای اعیان از جانب مرد و ناممکن بودن انتقال اموال از طرف همسر، آن را تضمین کند. البته تقدیم دادخواست تأمین خواسته یا به تعبیر عامیانه توقیف اموال از طرف خواهان و مدعی طلب و حقوق مالی، می‌تواند قبل از مطرح شدن دعوی مهریه یا هم‌زمان یا حتی بعد از مطرح شدن دعوا از مخفی کردن یا انتقال اموال خوانده جلوگیری کند و این راهکار قانونی تا حدودی مناسب است، اما می‌توان با توجه به تاریخ انتقال و درخواست خواهان تشخیص معامله برای فرار از دین را تسهیل کرد، اگرچه

مشکل معاملات صوری با توجه به صحت و قانونی‌بودنش نیز راه‌گزینی را برای پرداخت‌نکردن حقوق مالی زن فراهم می‌کند.

دشواری‌های حاصل از نبود ضمانت اجرای لازم در گرفتن حق مالی به گونه‌ای است که بسیاری از زنان برای پرهیز از آسیب‌های روانی‌اش، مجبور به صرف نظر از استیفای حقوق مالی خود می‌شوند:

یه زن بعد از جدایی آگه مهریه‌اش رو هم بخواد اون قدر اذیتش می‌کنن که بگه جونم آزاد و آخرش مهریه‌اش رو می‌بخشه (شماره ۱۱: ۲۹ ساله).

دشواری‌های گرفتن طلاق در اثر نبود ضمانت اجرای مناسب، از دیگر اموری است که زنان بیان کرده‌اند. گاه علی‌رغم صدور گواهی عدم امکان سازش، مرد، زن را طلاق نمی‌دهد و با قراردادن زن در حال تعلیق، موجب محروم‌کردن او از حقوق طبیعی‌اش و مواجهه زن با مشکلات مختلف، از جمله فشار روانی، می‌شود:

دو سالیه که خونه پدرم هستم و همسرم هم مشغول خوش‌گذرانی و طلاقم نمی‌ده. اگر می‌موندم تأمین جانی نداشتم، برا همین اومدم خونه پدرم، چون تمکین نکردم همسرم نامه گرفته که نفقه نده و از طرفی خیلی راحت می‌تونه ازدواج مجدد بکنه، اما من چون در عقدشم هیچ کاری نمی‌تونم بکنم و کوچک‌ترین کاری از جانب من خطا است و رابطه نامشروع. حالا من چی کار کنم، واقعاً اینجا است که زنان نابود می‌شن با این قوانین. گواهی عدم سازش دو بار صادر شده، اما صیغه طلاق رو جاری نمی‌کنه. دو ساله معلقم و نمی‌دونم چه باید بکنم. اونم به خاطر قانونی که داریم (شماره ۲۰: ۴۰ ساله).

قانون مدنی ایران مبتنی بر شرع مقدس، طلاق را از اختیارات مرد دانسته است. وجود چنین حقی با وجود گستردگی‌اش ممکن است اغلب منشأ سوءاستفاده، و سبب اضرار به زوج شود. محققان راه‌های سوءاستفاده از حق طلاق و راه‌های جلوگیری از آن و طرق جبران خسارت را بررسی کرده‌اند. برخی برای رد انحصار حق طلاق به مرد روش‌هایی همچون طلاق خلع، مبارات و طلاق قضایی را به منظور ممانعت از سوءاستفاده از حق بیان کرده‌اند، اما توجه به این نکته لازم است که طلاق قضایی ماهیت حقوقی مستقلی دارد. با توجه به ویژگی‌های این نوع طلاق، باید قالب خاصی برای آن در نظر گرفت. نظر به اینکه از فقهای معاصر فقط خویی طلاق به حکم حاکم (طلاق قضایی) را بائن و ملحق به خلع می‌داند (موسوی خویی، بی‌تا: ۳۰۲/۲) لازم است قانون‌گذار توجه جدی به تجدید نظر در الحاق به خلع در محاکم داشته باشد تا بدین ترتیب زنان را

از موقعیت‌های نامطلوب رهایی بخشد.

۵.۴. تعارض مطالبه قانونی حقوق با تداوم زندگی مسالمت‌آمیز

مقوله «تعارض مطالبه قانونی حقوق با تداوم زندگی زناشویی» بیانگر دشواری‌های مربوط به درونی شدن هنجارها و باورهای عرفی در جامعه است که زنان در صورت مطالبه قانونی حقوق، در زندگی زناشویی با آن مواجه خواهند شد. «به خطر افتادن دوام زندگی زناشویی با مطالبه قانونی حقوق» یکی از معضلات جدی است. نگرش افراد نتیجه هنجارها و ارزش‌هایی است که در وجودشان درونی شده است. این نگرش‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به کنش افراد دارد. پرداخت حقوق مالی زن از طرف شوهر در زندگی زناشویی نیز از جمله اموری است که تحت تأثیر نگرش‌های فرهنگی نادرست جامعه در زمینه حقوق مالی زن در خانواده واقع شده است. نتیجه چنین نگرش و کنشی، پرداخت نشدن حقوق مالی زن از طرف همسر و منفی تلقی شدن مطالبه حقوق مالی زنان از طریق قانون است، به طوری که زن در صورت مراجعه به دادگاه برای مطالبه حقوق مالی اش با مشکل جدی در ادامه زندگی زناشویی مواجه خواهد شد. یکی از حقوق مالی که مطالبه آن از طریق قانون، زن را با مشکل مواجه خواهد کرد نفقه است:

یه مشکلی که در مورد حق نفقه هست اینه که اگه خانمی نفقه‌اش رو، بر فرض که همسرش نده، اگر بخواد باید بره دادگاه و این یعنی دعوا، یعنی آخرش طلاقه (شماره ۱۸: ۳۸ ساله).

برخی از زنان نیز به فرهنگ عادت مردان به ندادن مهریه و اجرت‌المثل اشاره کرده‌اند که در صورت اقدام قانونی برای گرفتن این حقوق، زندگی را از مسیر مسالمت‌آمیز خود خارج می‌کند و از این‌رو عاملی مضاعف در تضییع حق زن در خانواده خواهد شد:

به هر جهت، این حق مهریه و اجرت‌المثل رو داریم، ولی نمی‌شه ازش استفاده کرد، چون این حرفا مال اونجاییه که تو دیگه نخوای ادامه بدی، چون شنیده نمی‌شه، نه مردا این رو می‌شنون و نه بهش عمل می‌کنن. گویا که نمی‌خوان بشنون، چون به نظر می‌آد به نفعشون نیست و حتی از لحاظ حقوقی هم بخوای اقدام کنی، دچار پیچ و خم می‌شی و انسجام زندگی‌ات از بین می‌ره (شماره ۱۵: ۴۰ ساله).

«ناممکن بودن مطالبه برخی حقوق به دلیل فهم نادرست مردان از برخی حقوق» از دیگر دشواری‌هایی است که زنان در مطالبه حقوق خود در زندگی زناشویی با آن مواجه‌اند. حق مهریه از

جمله حقوقی است که علاوه بر تصریح مستندات فقهی، مواد مختلف قانون مدنی به آن اشاره کرده و از مهم‌ترین حقوق اقتصادی و زمینه‌ساز ایجاد امنیت اقتصادی زن در خانواده است؛ با این حال، به دلیل نگرش نادرست مردان به درخواست زنان برای دریافت آن، مبنی بر مطالبه مهریه به مثابه جدایی، استیفای آن با دشواری مواجه است:

خلاً در تفکر مردها است که به حق خانم‌ها این طوری نگاه می‌کنن که وقتی حرف مهریه شد یعنی دیگه نمی‌خواد ادامه بده. ولی این توفقه ما هست که مهریه رو هر موقع خانم خواست مرد باید بده و اصلاً از دیون هستش (شماره ۱۸: ۳۸ ساله).

نتیجه

در فرآیند تدوین قوانین مرتبط با زنان در خانواده، نکته اساسی توجه به جنبه حمایتی و داشتن ضمانت اجرا در موقعیت‌های گوناگون است. زنان در بیان دشواری‌های مطالبه قانونی حقوق خانوادگی‌شان به دشواری‌های استفاده از شروط ضمن عقد اشاره کرده‌اند. به باور زنان، اصرار بر پیگیری اجرای شروط ضمن عقد از مسیر قانون، موجب تبدیل اختلافات جزئی به تنش‌های جدی می‌شود. بنابراین، با تخطی و سرپیچی مرد از تعهدات منعقدشده، عملاً استفاده از شروط ضمن عقد، ادامه زندگی به نحو صلح‌آمیز را دشوار می‌کند. صرف‌نکردن زمان مناسب در فرآیند دادرسی برای درک دغدغه‌های زنان و تسریع در صدور حکم از یک سو، و توجه به حفظ منافع مردان، یعنی صادرنشدن رأی مناسب و متناسب با مقتضای وضعیت زنان، احساس نابرابری در تدوین قوانین، و حمایت قوانین از منافع مردان از سوی دیگر، دیدگاه زنان مبنی بر حاکمیت نگاه مردانه در تدوین و اجرای قوانین را تقویت می‌کند، تا آنجا که برخوردارنشدن از حمایت‌های قانون، نظریه نابرابری را به ذهن تداومی می‌کند.

به همین نحو، با در نظر نگرفتن اوضاع و احوال واقعی زندگی زنان و صدور احکام ناعادلانه از نگاه آنان، سکوت قانون در برابر خلأهای موجود، اطاله فرآیند دادرسی، امکان ادعای اعسار و سوءاستفاده مردان در انتقال اموال به دیگران، پنداشت زنان را با توجه به ادراک واقعی‌شان از شرایط، به ضعف ضمانت اجرا در قوانین جلب می‌کند؛ چنان‌که به منظور حفظ سلامت روح و روان، با هنجارهای موجود هم‌نواپی کرده، از مطالبه حق مالی، علی‌رغم تصریح شرع به آن، خودداری می‌کنند. از جهت تضييع حق زنان، نتایج به‌دست‌آمده با یافته‌های پژوهش رحیمی سجاسی و دیگران (۱۳۹۹) همسو است. اما در بیان عامل تضييع حق و برخوردارنشدن از آن، با پژوهش مذکور در تبیین عامل بهره‌مندنشدن زنان از حقوق تفاوت دارد.

در نهایت، تعارض مطالبه قانونی حقوق با ادامه مسالمت آمیز زندگی، از بُعدی دیگر توجه زنان را به واقعیت خلأ حمایت قانونی جلب کرده است؛ چراکه نگرش افراد در نتیجه قبول هنجارها نهادینه شده و نپرداختن حقوق مالی زن از جانب شوهر، تحت تأثیر نگرش های فرهنگی نادرست تبدیل به عرفی شده است که ناشی از عادت مردان به پرداخت نکردن حقوق مالی زنان، تحت تأثیر یادگیری اجتماعی است، که نتیجه اش عملکرد مردان برخلاف دستورهای شرعی در این زمینه است و مواجهه زنان با دشواری های جدی برای بهره مندی از حقوق خانوادگی شان را به دنبال دارد.

یکی از کارکردهای حقوق، پاسخ گویی به انتظارات هنجاری جامعه است. بنابراین، باید از ظرفیت های حقوق در قانون گذاری و قضاوت با ملاحظه ابعاد گوناگون حقوق زنان، استفاده بهینه شود و روش هایی برای تضمین احقاق حقوقشان اتخاذ شود که اجرایش قابلیت پی گیری داشته باشد. همچنین، باید خلأهای موجود در قانون را که سبب تلقی نادرست از قوانین شده و به تضییع حقوق زنان می انجامد، از بین برد. بنابراین، نهاد قانون گذار باید ارزش های تحت حمایت خود، مانند احترام به شخصیت و کرامت زنان و احترام به حقوق عاطفی و مالی آنها، را اعلام کند و مانع ترویج کنش های نامطلوب خلاف این ارزش ها شود. اگرچه برخی اندیشمندان به اداره خانواده از طریق اخلاق معتقدند و حقوق را در وضعیت اضطراری کاربردی می دانند، اما نباید از این نکته غفلت کرد که علم حقوق به عنوان ابزار ارتقای فرهنگ، توانایی مؤثری در احقاق حقوق زنان دارد. با توجه به اقدامات امیدوارکننده در رفع برخی از خلأهای قانونی، وجود دشواری ها و سکوت قانون در برخی از آنها، تلاش جدی تری را در اصلاح مواد قانونی برای دست یابی به وضعیت شایسته زنان می طلبد. بر این اساس، لازم است با اصلاح قوانین و نیز ارتقای سطح آگاهی زنان و مردان جامعه از حقوق و تکالیف در خانواده، با توجه به موازین دینی مسیر استیفای حقوق زنان را هموارتر کرد تا بدین ترتیب از بدبینی زنان و انتقادهای نادرست از قوانین اسلام جلوگیری شود. در کلام آخر، آنچه مهم است تغییر و تحولات پیش آمده در مطالبات حقوق خانوادگی زنان نسبت به گذشته است که توجه به حل مشکلات و رفع دشواری های موجود در این زمینه را ضروری می کند و چه بسا رفع این دشواری ها مسیر را برای حل سایر مشکلات زنان که در زندگی روزمره شان در جریان است، هموار کند.

منابع

- آبادیان، حسین؛ صفری، زهره (۱۳۹۳). «مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان در دوره مشروطه تا سلطنت رضاشاه»، در: جستارهای تاریخی، ش ۲، ص ۱-۱۹.
- تبریزی، منصوره (۱۳۹۳). «تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکرد قیاسی و استقرایی»، در: علوم اجتماعی، ش ۶۴، ص ۱۰۵-۱۳۸.
- حاجی‌پور، مرتضی (۱۳۸۳). «اختیار زوجه و ابهام در مفهوم عسر و حرج»، در: پژوهش زنان، ش ۲، ص ۱۶۷-۱۷۲.
- حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۰). فلسفه حقوق زن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خدادادپور، منیره؛ دیلمی، احمد (۱۳۸۸). «سوءاستفاده از حق طلاق و راهکارهای قانونی مقابله با آن»، در: خانواده‌پژوهی، ش ۱۷، ص ۷۳-۹۲.
- رحیمی سجاسی، مریم؛ و دیگران (۱۳۹۹). «نقض حقوق زن در نقش همسری: مواجهه واقع‌گرایانه زنان با مسئله تضییع حقوق خود»، در: پژوهش‌نامه زنان، ش ۳، ص ۱۱۱-۱۳۹.
- روشنی، شهره؛ غروی نائینی، نهل؛ باستانی، سوسن (۱۳۹۹). «روایت زنان از موانع آرامش در زندگی زناشویی»، در: مطالعات زن و خانواده، ش ۳، ص ۲۹-۷۴.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علمی، چاپ نوزدهم.
- زندلی، مرجان؛ هاشمیان فرد، علی؛ کیان‌پور، مسعود (۱۳۹۶). «زنان و برساخت اجتماعی تعهد زناشویی»، در: راهبرد فرهنگ، ش ۳۸، ص ۱۲۷-۱۶۲.
- سفیری، خدیجه؛ میرازمحمدی، حدیث (۱۳۹۴). «بررسی ارتباط هویت جنسیتی زنان متأهل با نگرش آنها به حقوق زوجین»، در: پژوهش‌نامه زنان، ش ۳، ص ۱۰۳-۱۲۴.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۸۰). «زنان ایران: مطالبات و انتظارات»، در: نامه علوم اجتماعی، ش ۱۸، ص ۳۱-۶۲.
- شنهاو، شارن (۱۳۹۹). «قوانین دین، حقوق خانواده و حقوق بشر زنان»، در: حقوق بشر، ش ۲۹، ص ۱۲۷-۱۴۳.
- صانعی، پرویز (۱۳۸۱). حقوق و اجتماع: رابطه حقوق با عوامل اجتماعی و روانی، تهران: طرح نو.
- طباطبایی، سید علی (۱۴۱۸). ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، قم: مؤسسه آل‌البتیت (عج).
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰). فلسفه حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ج ۱.
- گیدنز، آنتونی؛ بردسال، کارن (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نی.
- محمّدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش: مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی، تهران: جامعه‌شناسان، چاپ دوم، ج ۲.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (بی‌تا). منهاج السعادة، بی‌جا: مؤسسه الخویی الاسلامیه، ج ۲.

میرحسینی، پیدا؛ آقاجانی، حسین؛ حبیب‌پور، کرم (۱۳۹۸). «مطالبات اجتماعی زنان و رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با آنها (مورد مطالعه: زنان شهر قزوین)»، در: مطالعات زن و خانواده، ش ۱، ص ۷۳-۹۵.
نجفی جواهری، محمد حسن (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة السابعة، ج ۲۲.

همتی، رضا؛ مکتوبیان، مریم (۱۳۹۲). «بررسی وضعیت نابرابری جنسیتی در میان کشورهای منتخب خاورمیانه با تأکید بر جایگاه ایران»، در: پژوهش‌نامه زنان، ش ۲، ص ۱۱۵-۱۴۲.

Karami, A. (2011). "The Survey of the Relationship between Life General Health and Adjustment", in: *Counts Cult Psychother*, 4: 73-90.

Le Baron, A. B.; Kelley, H. H.; Carroll, J. S. (2018). "Money over Marriage: Marriage Importance as a Mediator between Materialism and Marital Satisfaction", in: *Journal of Family and Economic Issues*, 39 (2): 337-347.

www.imam-khomeini.ir

References

- Abadiyan, Hoseyn; Safari, Zohreh. 2014. "Motalebat Ejtemai wa Farhangi Zanan dar Doreh Mashruteh ta Saltanat Reza Shah (Social and Cultural Demands of Women in the Constitutional Period until the Reign of Reza Shah)", in: *Historical Essays*, no. 2, pp. 1-19. [in Farsi]
- Giddens, Anthony; Birdsall, Karen. 2010. *Jameshenasi (Sociology)*, Translated by Hasan Chawoshiyan, Tehran: Ney. [in Farsi]
- Hajipur, Morteza. 2004. "Ekhtiyar Zojeh wa Ebham dar Mafhum Osr wa Haraj (Wife's Discretion and Ambiguity in the Concept of Hardship)", in: *Women's Research*, no. 2, pp. 167-172. [in Farsi]
- Hekmatnia, Mahmud. 2011. *Falsafeh Hoghugh Zan (Philosophy of Women's Rights)*, Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought. [in Farsi]
- Hemmati, Reza; Maktubiyani, Maryam. 2013. "Barresi Waziyat Nabarabari Jensiyyati dar Miyan Keshwar-hay Montakhab Khawarmiyaneh ba Takid bar Jaygh Iran (Investigating the Situation of Gender Inequality among Selected Middle Eastern Countries with Emphasis on Iran's Position)", in: *Women's Studies*, no. 2, pp. 115-142. [in Farsi]
- Karami, A. 2011. "The Survey of the Relationship between Life General Health and Adjustment", in: *Counts Cult Psychother*, 4: 73-90.
- Katuzyan, Naser. 2001. *Falsafeh Hoghugh (Philosophy of Law)*, Tehran: Publishing Joint Stock Company, Second Edition, vol. 1. [in Farsi]
- Khodadapur, Monireh; Deylami, Ahmad. 2009. "Su Estefadeh az Hagh Talagh wa Rahkar-hay Ghanuni Moghabeleh ba An (Abuse of the Right to Divorce and Legal Solutions to Deal with It)", in: *Research Family*, no. 17, pp. 73-92. [in Farsi]
- Le Baron, A. B.; Kelley, H. H.; Carroll, J. S. 2018. "Money over Marriage: Marriage Importance as a Mediator between Materialism and Marital Satisfaction", in: *Journal of Family and Economic Issues*, 39 (2): 337-347.
- Mirhoseyni, Bida; Aghajani, Hoseyn; Habibipur, Karam. 2019. "Motalebat Ejtemai Zanan wa Rabete Sarmayeh Ejtemai wa Sabk Zendegi ba Anha (Mored Motaleeh: Zanan Shahr Ghazwin) (Women's Social Demands and the Relationship between Social Capital and Lifestyle with Them (Case Study: Women in Qazwin))", in: *Women and Family Studies*, no. 1, pp. 73-95. [in Farsi]
- Mohammadpur, Ahmad. 2013. *Rawesh Tahghigh Keyfi Zed Rawesh: Marahel wa Rawiyeh-hay Amali dar Raweshshenasi Keyfi (Anti-Method Qualitative Research Method: Practical Steps and Procedures in Qualitative Methodology)*, Tehran: Sociologists, Second Edition, Second Edition, vol. 2. [in Farsi]

- Musawi Khoyi, Seyyed Abolghasem. n.d. *Menhaj al-Saadah (Path of Salvation)*, n.p: Al-Khoyi Islamic Institue, vol. 2. [in Arabic]
- Najafi Jawaheri, Mohammad Hasan. 1943. *Jawaher al-Kalam fi Sharh Sharae al-Islam (Jewelry Words in the Explanation of the Islamic Law)*, Beirut: Arab Heritage Revival House, Seven Edition, vol. 22. [in Arabic]
- Rahimi Sajasi, Maryam; et al. 2020. "Naghz Hoghugh Zan dar Naghsh Hamsari: Mowajeheh Waghegerayaneh Zanan ba Masaleh Tazyi Hoghugh Khod (Violation of Women's Rights in the Role of Wife: A Realistic Confrontation of Women with the Issue of Abuse of Their Rights)", in: *Women's Research*, no. 3, pp. 111-139. [in Farsi]
- Ritzer, George. 2014. *Nazariyeh-hay Jameshenasi dar Doran Moaser (Contemporary Sociological Theory)*, Translated by Mohsen Thalathi, Tehran: Elmi, 19th Edition. [in Farsi]
- Roshani, Shohreh; Gharawi Naini, Nehleh; Bastani, Susan. 2020. "Rewayat Zanan az Mawane Aramesh dar Zendegi Zanashuyi (Women's Account of Barriers to Peace in Marital Life)", in: *Women and Family Studies*, no. 3, pp. 29-74. [in Farsi]
- Safiri, Khadijeh; Mirza Mohammadi, Hadith. 2015. "Barresi Ertebat Howiyat Jensiyati Zanan Moteahhel ba Negaresh An-ha be Hoghugh Zojayn (Investigating the Relationship between the Gender Identity of Married Women and Their Attitudes towards Marital Rights)", in: *Women's Research*, no. 3, pp. 103-124. [in Farsi]
- Sanei, Parwiz. 2002. *Hoghugh wa Ejtema: Rabete Hoghugh ba Awamel Ejtemai wa Rawani (Law and Society: The Relationship between Law and Social and Psychological Factors)*, Tehran: New Design. [in Farsi]
- Shadi Talab, Jaleh. 2001. "Zanan Iran: Motalebat wa Entezarat (Iranian Women: Demands and Expectations)", in: *Social Sciences*, no. 18, pp. 31-62. [in Farsi]
- Shenhao, Sharon. 2020. "Ghawanin Din, Hoghugh Khanewadeh wa Hoghugh Bashar Zanan (Religious Law, Family Law and Women's Human Rights)," in: *Human Rights*, no. 29, pp. 127-143. [in Farsi]
- Tabatabayi, Seyyed Ali. 1997. *Riyaz al-Masael fi Bayan al-Ahkam be al-Dalael*, Qom: Al al-Bayt Institute. [in Arabic]
- Tabrizi, Mansureh. 2014. "Tahlil Mohtaway Keyfi az Manzar Ruykar Ghiyasi wa Esteghrayi (Qualitative Content Analysis from the Perspective of Deductive and Inductive Approach)", in: *Social Sciences*, no. 64, pp. 105-138. In Farsi]
- www.imam-khomeini.ir
- Zarandi, Marjan; Hashemiyan Fard, Ali; Kiyanpur, Masud. 2017. "Zanan wa Barsakht Ejtemai Taahhod Zanashuyi (Women and the Social Construction of Marital Commitment)", in: *Culture Strategy*, no. 38, pp. 127-162. [in Farsi]